

توحید قرآنی در مقابل انقلاب کوپرنیکی مدرنیته

حیات انسان معاصر بسیار متأثر از گفتمانی است که مدرن خوانده می‌شود، اما برای رسیدن به حیات طیبیه که وعده‌ای قرآنی است، باید به وجوه تقابل آن با توحید قرآنی اشاره کرد.



حیات انسان معاصر بسیار متأثر از گفتمانی است که مدرن خوانده می‌شود، اما برای رسیدن به حیات طیبیه که وعده‌ای قرآنی است، باید به وجوه تقابل آن با توحید قرآنی اشاره کرد.

انسان معاصر متأثر از غرب است و مراد از غرب نه جهتی جغرافیایی، بلکه با محوریت آسیا، زادگاه ادیان بزرگ جهان یونانی و بعدها اروپای مدرن را شامل می‌شود. در این میان فرهنگ غرب حامل مدرنیته انسان‌گرایی است که انسان را در مرکز جهان قرار داده و با باورهای معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی جدید به تحلیل و تبیین جهان می‌پردازد. در این میان توجه به خدامحوری به عنوان دال مرکزی گفتمان‌های دینی نشانگر نوعی تقابل میان گفتمان دینی و گفتمان غربی خواهد بود، چه، دال مرکزی تمدن غربی انسان است. در این نوشتار با تکیه بر تحقیقی که منصور پهلوان، عبدالهادی فقهی‌زاده و روح‌الله محمدی انجام داده‌اند، (1) این تقابل را واکاوی خواهیم کرد.

مولفه‌های خدامحوری

«خدا» مفهوم مرکزی ادیان ابراهیمی و بسیاری از ادیان دیگر است. از سویی دیگر «یکی از مهم‌ترین اصول زیست اسلامی، «خدامحوری» است». بی‌شک تصویری که اسلام از «خدا» دارد تمایز اسلام از دیگر ادیان است. اگر اومانیسم سنت جاری در غرب جدید است، «خدامحوری» در اصول دین و نیز در کتاب‌الله نهفته است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌ها است نگاه دارید، آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سخت گیرند، و هرگز مخالفت فرمان خدا نمی‌کنند و دستورات او را دقیقاً اجرا می‌نمایند!». (تحریم، 6)

از مهم‌ترین مولفه‌های «خدامحوری» که در ذیل اصول «توحید»، «نبوت» و «امامت» قرار می‌گیرد، اطاعت از خدا، رسول و امام (ع) است. در آیه 59 سوره نسا این فراز را به روشنی می‌بینیم «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...» ای کسانی که ایمان آورده‌اید خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید». در آیه 39 سوره آل‌عمران نیز این مضمون دیده می‌شود.

در آیات دیگری از قرآن می‌خوانیم: وَلَئِنْ أَطَعْتُمْ بَشَرًا مِثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذَا لَخَاسِرُونَ* أَيْعِدْكُمْ أَتُكْمُ إِذَا مِثْمُ وَكُنْتُمْ تَرَابًا وَعِظَامًا أَتُكْمُ مَحْرُجُونَ. و اگر بشری مثل خودتان را اطاعت کنید در آن صورت قطعاً زیانکار خواهید بود* آیا به شما وعده می‌دهد که وقتی مردید و خاک و استخوان شدید [باز] شما [از گور زنده] بیرون آورده می‌شوید». (مومنون، 34-35) در این‌جا نه تنها اطاعت از بشری مانند خودمان که اندیشه بشری در مقابل اندیشه خدامحورانه نفی شده است. «انسان خدامحور در دیدگاه اسلام، انسانی است که در عقاید، فقه، حقوق، و دیگر شئون خود موحدانه بیندیشد و موحدانه عمل کند، در غیر این صورت، از حقیقت حیات انسانی بهره ندارد». (2)

توحید یکی از مولفه‌های اصلی خدا محوری است در قرآن معتقد به توحید «می‌یابد که خدا اجزایی ندارد و از این رو به هیچ موجودی نیازمند نیست و همه به او نیاز دارند (فاطر، 15)، او مبداء و خالق اشیا است (رعد، 16) و موجودات همه از اویند و به او باز می‌گردند (شوری، 53) پس در مرتبه وجود خدا، موجودی نیست (واقعه 4) ... نتیجه این که اگر کسی در عمق جان‌ش این توحید را بیابد و بدان معتقد باشد، خود را محتاج و مخلوق می‌بیند و خدا را مراقب اعمال خود می‌یابد و اینکه بالاخره در محضر اوست و چنین انسانی با توجه به نکات پیش گفته، مرتکب گناه نمی‌شود و دستورات خداوند را سرلوحه زندگی خود قرار می‌دهد و خود را آلوده نمی‌کند....» (3)

دیگر مولفه‌های خدامحوری «تقوای پیشگی» است در این معنا «تقوای الهی رابطه بنده با خداوند را محکم‌تر می‌کند و یاد و ذکر او را در دل زیاد گردانیده و نیز موجب یاری کردن خدا و استواری در دین می‌شود. همچنین گناهان آمرزیده می‌شود و از رحمت و محبت خدا برخوردار خواهد شد و اوج این نعمت‌ها در رضای خداست. (سوره آل‌عمران، 15)

مولفه‌های انسان‌گرایی

اومانیسم خاستگاه جهان مدرن خوانده شده است. اومانیست معتقد به اصالت انسان است. ریشه اومانیسم در لاتین (homo) است که به معنای انسان است. مراد از اومانیسم نظام‌های فلسفی یا اخلاقی است که آزادی و حیثیت انسان مرکزیت آن را تشکیل می‌دهد. ریشه آن در یونان به توجهات دینی یونانی به انسان باز می‌گردد. خدایان یونان متعالی نبودند و مناسباتی انسانی داشتند. اما آنچه اومانیسم گفته می‌شود به طور خاص از قرن چهاردهم میلادی و به نهضت اصلاح دینی در اروپا باز می‌گردد. (4)

ریشه اصلی اومانیسم را در نهضت اصلاح دینی باید جست. پروتستانتیسم و یا اصلاحات دینی به راهبری مارتین لوتر و ژان کالون، عصیان در مقابل کلیسای کاتولیک بود. این نافرمانی دینی توسط علمای پروتستان منجر به نهضتی به همین نام شد که به دنبال خود جنگ‌ها و تغییرات بسیاری را در تاریخ به همراه داشت. در نگاه به دین و نیز جایگاه انسان پروتستانتیسم دو

رویگرد مخالف با هم داشت که تأثیرات آن به صورت مستقل در جهان مدرن قابل رصد است.

لوتر معتقد بود «ایمان، فقط ایمان برای نجات انسان کافی است». با این رویکرد اصلاحات دینی لوتری به عناصر مسیح، اعتقاد، بخشایش و کتاب رسید. عنصر برجسته دیگری که در آراء لوتر بارز بود ضدیت با عقل بود در خصوص عقل می‌گوید: «عقل بزرگ ترین دشمن ایماناست و معروف ترین روسپی شیطان.» (5) همچنین وی معتقد بود «ایمان برای شناخت خدا کافی است و عقل به دلیل سرشت فاسد بشر هرگز قادر به دستیابی به معرفت مسیح نمی‌باشد». (6) در مقابل لوتر، دیسیدریوس اراسموس بر حریت فکر و آزادی عقیده اعتقاد داشت و از این‌رو با ضدیت لوتر با عقل مخالف بود. هر دو گرایش نفی سنن کلیسایی از سوی مومن و عقلانیت از سوی اراسموس در جهان جدید منعکس شد.

زمینه لوتری به فلسفه کانت و انقلاب کوپرنیکی وی انجامید که در آن کانت انسان را مانند کوپرنیک در مرکز جهان قرار داد. «رای انقلابی کانت این است که جهانی که ما در آن به سر می‌بریم و ادراکش می‌کنیم وابسته است به کیفیات ذهن درک کننده آن، نه اینکه به کلی مستقل از ذهن ما وجود داشته باشد. کانت به فلاسفه عقل گرا خرده می‌گیرد که توسط عقل، تنها می‌توان به کنه واقعیت واقف گشت. لذا اکتفای صرف به عقل در باب معرفت شناسی به سرمنزل مقصود راه نخواهد برد. بنابراین لازمه معرفت هم تجربه حسی است و هم مفاهیمی که مدرك بر تجربه اش بار می‌کند». (7)

ملکیان در خصوص انسان‌گرایی معتقد است که مراد از انسان‌گرایی در مدرنیته «ایمان به انسان» است به این معنا که در جهان مدرن ایمان به علم و قدرت انسان وجود دارد و «به عبارت دیگر انسان‌گرایی عبارت است از باور داشتن به اینکه اگر از دست «علم انسان» کاری بر نیاید قطعا از دست هیچ کس و هیچ چیز دیگری هم بر نخواهد آمد». (8)

در بعد سیاسی آزادی، دموکراسی، عدالت، ناسیونالیسم و سکولاریسم از پیامدهای مدرنیته بود همچنین با قدرت‌گیری سرمایه‌داری که مولود هم‌زمان با مدرنیته بود مصرف، بازار آزاد، تقسیم جهان به مرکز و پیرامون و اختلاف‌های شدید اقتصادی و ... را از پیامدهای اقتصادی مدرنیته می‌توان دانست. بر اساس یک تحقیق، منطق ابزارگرایی، خودآیینی، تمایزیابی ارزشی در فرهنگ مدرن و هم‌سانی فرهنگی در مدرنیته را باید از مولفه‌های فرهنگی مدرنیته خواند. (9)

توحید قرآنی در مقابل انقلاب کوپرنیکی مدرنیته

با اشاره به «انقلاب کوپرنیکی کانت» می‌توان نوعی «انقلاب کوپرنیکی» مدرنیته اشاره کرده که با انقلاب‌های کوپرنیکی و کانتی در علم و معرفت‌شناسی متفاوت است، اما بیان دیگری از انقلابی است که در عصر مدرن شده است. در «انقلاب کوپرنیکی مدرن» انسان در محور جهانی واقع شده است که همه ادیان و مذاهب از مظاهر اوست به این معنا انسان توحید و تقوا را نه در گفتمان مدرن که باید در گفتمان دین جستجو کند.

همان‌طور که آیت‌الله العظمی جواد آملی به آن اشاره کرده‌اند توحید به حیاتی انسانی می‌انجامد اما آنچه در «انقلاب کوپرنیکی مدرنیته» صورت می‌گیرد حذف توحید از صحنه و یا انتقال آن به اندیشه دینی است. جدا سازی دین از جهان و به حاشیه رانده آن با روح توحید قرآنی که انسان را به سوی اطاعت از امر الهی هدایت می‌کند، در تقابل است. برای رسیدن به حیات طیبه که وعده خداوند است باید این تقابل را ملاحظه کرد و از افتادن در دام هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی مدرن در امان بود.

همه تبعات انقلاب کوپرنیکی مدرن منفی نیست اما آنچه کل جریان را پیش می‌برد، در واقع تخریب حیات معنوی انسان و حتی محیط زیست را در بر دارد. همه این‌ها محصول آن است که انسان مدرن عنصر هدایت و تبعیت از سبیل الهی را امری فرعی و حاشیه‌ای و در ذیل انسان‌گرایی فهمیده و بر همین اساس، میل انسان حاکمیت یافته است.

میثم قهوه‌چیان
منابع و مأخذ:

- (1) مولفه‌های «خدامحوری» و آثار آن در زندگی از دیدگاه قرآن، فسنامه علمی-پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی، سال دوم، شماره دوم، 22-2
- (2) جواد آملی، امام مهدی (عج) موجود موعود، تحقیق: سید محمدحسن مخبر، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ یازدهم
- (3) مولفه‌های «خدامحوری» و آثار آن در زندگی از دیدگاه قرآن، ص 5
- (4) فرهنگ فارسی معین
- (5) مسیحیت شناسی مقایسه ای، محمد رضا زیبائی نژاد، انتشارات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، تهران، 1384، ص 309
- (6) مفهوم ایمان از دیدگاه محمد غزالی و مارتین لوتر، پژوهشنامه ادیان، سال پنجم شماره 10.93
- (7) کانت و انقلاب کوپرنیکی در فلسفه، روزنامه رسالت، 5 مهر 90
- (8) روزنامه شرق، شماره 748، صفحه 16
- (9) نقد مولفه‌های فرهنگی مدرنیته در نوشته‌های وبر، لیوتار و فوکو، علی صالحی‌فارسانی و سعید حاجی‌ناصری، غرب‌شناسی بنیادی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پنجم شماره دوم، 85-104